

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتادوششم

زمستان ۱۳۹۷

واکاوی سبک مناظراتی امام رضا علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۲/۲۱

سیاوش یاری^۱مهدی اکبرنژاد^۲مرتضی اکبری^۳پیمان صالحی^۴

مناظره یکی از شیوه‌های تبلیغی پیامبران و اولیای الهی برای دعوت مردم به سوی توحید و حل اختلافات دینی است که در آیاتی از قرآن کریم بر آن تأکید شده است. گفت‌وگوی میان اسلام با ادیان مختلف از دوره نبوی شروع گردید و در عصر جانشینان آن حضرت صلی الله علیه و آله ادامه یافت و در عصر رضوی به اوج خود رسید. این مقاله به این نتیجه دست یافته است که امام علیه السلام با تکیه بر گونه‌ای خاص از مخاطب‌شناسی، متناسب با درک مخاطب، پیام‌های خویش را ارائه می‌کردند و به منظور افزایش اثرگذاری، علاوه بر استناد به متون مقلّس مخاطبان، از انواع روش‌های ادبی و بلاغی، مانند به کارگیری صنعت تکرار، توجه به آهنگ کلمات، تصویرسازی، تسلسل و نظم منطقی مباحث، ارائه

۱. دانشیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه ایلام (s.yari@ilam.ac.ir).

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (ak-nejad@yahoo.com).

۳. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه ایلام (s22432@yahoo.com).

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) (salehi@ilam.ac.ir).

برهان به شیوه حصر عقلی، هماهنگی لفظ با معنا، انتخاب آگاهانه واژگان و به کارگیری ساختارهای تأکیدی استفاده می کردند.

کلیدواژگان: امام رضا (ع)، تاریخ امامت، مناظره، گفت و گوی بین ادیان، مخاطب شناسی.

۱. مقدمه

قرآن کریم در آیات متعددی در هنگام بیان مذاکره و مناظره پیامبران با اقوام زمان خویش، از سخن نیک و جدال احسن^۱ و استدلال منطقی^۲ یاد می کند. این امر، روشی است که خداوند متعال، تمامی مبلغان و هدایت گران الهی خویش را بدان توصیه فرموده است.

امروزه از یک سو، جهان نیازمند مذاکره و تعامل میان ادیان مختلف به منظور یک سو کردن مسیر حرکت انسان ها برای رسیدن به سعادت است و از سویی دیگر، یکی از ویژگی های منحصر به فرد شریعت مقدس اسلام، جهانی بودن و تعلق آن به همه انسان ها از هر نژاد و مکان و آیینی است. بر همین اساس، قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید:

ما تو را بشارت دهنده و بیم دهنده برای همه مردم، مبعوث کردیم.^۳

۱. «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/۴۴)؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵).

۲. «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ * قَالَ أُولُو جِنَّتِكُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (زخرف/۲۴-۲۳).

۳. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» سبأ/۲۸.

علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳هـ) با مناظره‌هایی که با بزرگان ادیان مختلف انجام داد، ضمن آشکارسازی نواقص ادیان تحریف شده و اثبات حقانیت اسلام، گام‌های مؤثری در جهت تقریب ادیان برداشت. مناظره‌های آن عالم آل محمد صلی الله علیه و آله با جاثلیق^۱ به نمایندگی از آیین مسیحیت، رأس‌الجالوت^۲ به نمایندگی از دین یهود، هیربُد^۳ به نمایندگی از دین زرتشت، عمران صابی^۴ به نمایندگی از صابثان^۵ و عده‌ای از علما و سران برهمن، از نمونه‌های مهم این امر است.^۶

بنابراین، برخلاف اعتقاد هانتینگتون^۷ (۱۹۲۷-۲۰۰۸م)، صاحب نظریه برخورد تمدن‌ها که معتقد است اسلام به سبب آمیختگی با سیاست و عدم تساهل و تسامح، نمی‌تواند مانند مسیحیت، زمینه سعادت بشر را فراهم نماید،^۸ حدود ۱۲۰۰ سال قبل، امام رضا علیه السلام اثبات نمود که در فضایی مسالمت‌آمیز، می‌توان با هم مناظره کرد.

۱. جاثلیق به کسر ث و لام، لفظ یونانی به معنای رئیس اسقف‌ها و پیشوای عیسوی است. لقبی است که به علمای بزرگ نصارا داده می‌شد و نام شخص خاصی نیست (دهخدا، لغتنامه، ج ۵، ص ۷۳۳۴). او در سال ۲۰۰ هجری با امام رضا علیه السلام مناظره داشته است.

۲. Exilarch (album) لقبی بود که بر بزرگ دینی یهودیان اطلاق می‌شد. این شخص در سال ۲۰۰ هجری با امام رضا علیه السلام مناظره داشته است.

۳. پیشوای یهودیان بود که بعدها به صورت لقبی بر بزرگ دینی زرتشتیان اطلاق شد. این شخص در سال ۲۰۰ هجری با امام رضا علیه السلام مناظره داشته است.

۴. عمران صابی در سال ۲۰۰ هجری مناظره کرده است و از علمای قرن دوم و سوم هجری است.

۵. صابثان گروهی بودند که خود را پیرو یحیی علیه السلام می‌دانستند ولی به دو گروه موحد و مشرک (ستاره‌پرست) تقسیم می‌شوند. (مرضیه محمدزاده، علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص ۳۸۴-۳۹۱).

۶. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۷۸؛ طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۳.

7. Samuel P. Huntington.

۸. ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها.

آن حضرت دو نوع مناظره داشتند؛ یکی درون مذهبی و در راستای تقریب مذاهب و دیگری برون مذهبی و در جهت گفت‌وگوی میان ادیان مختلف، به منظور آشکارسازی نواقص و حل آنها.

آنچه بر اهمیت موضوع مناظره ادیان و مذاهب در عصر امام رضا (ع) می‌افزود، شخصیت خاص و ویژه مأمون (۱۹۷-۲۱۸هـ) بود که به عنوان عالم‌ترین و علم دوست‌ترین خلفای بنی‌عباس (۱۳۲-۶۵۶هـ) معرفی شده است. او کم‌نظیرترین مجالس مناظره را در مرو تشکیل می‌داد تا دانشمندان آیین‌ها و مذاهب مختلف، دیدگاه‌های خود را بیان کنند و برای اثبات باورهای خود به تلاش پردازند.^۱ در واقع، شناخت بهتر امام (ع) به وسیله مأمون^۲، تخریب جایگاه معنوی آن حضرت و کاهش ارزش مقام امامت، مهم‌ترین اهدافی بودند که مأمون از تشکیل جلسات مناظره دنبال می‌کرد.^۳

با این حال، در آن دوره از تاریخ که شبهات کلامی و جریان‌های انحرافی، صدمات بسیاری بر پیکر اسلام وارد کرده بود، مناظره‌های آن حضرت، مانند دمیدن روح در کالبد اسلام بود. اگر عقل‌گرایی و موضع‌گیری امام رضا (ع) در مقابل افکار انحرافی نبود، ما در عصر حاضر، شاهد نشانه‌های شرک در جهان اسلام بودیم. اگر عقاید نادرست اهل حدیث که خداوند را قابل رؤیت و دارای تخت پادشاهی معرفی می‌کردند در جامعه اسلامی ترویج می‌یافت، پی‌آمدهایی را مانند آنچه که در مسیحیت رواج پیدا کرد به دنبال داشت.

مناظرات رضوی توانست سنت نبوی و سیره علوی را احیا کند و حقانیت اسلام و مذهب تشیع را اثبات نماید. بر اثر این مناظره‌ها جاثلیق در جایی اعتراف کرد که جز الله خدای دیگری نیست. همچنین، رأس الجالوت یگانگی خداوند و نبوت پیامبر (ص) پذیرفت و

۱. نعمت الله صفری فروشانی، «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام رضا (ع) و ارتباط آن با ولایت‌مندی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۲۶، ص ۵۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۹۰.

۳. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۳۱۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳۱۰.

مسلمان شد. پیش از پردازش موضوع و بررسی سیره مناظره‌های رضوی، لازم است برخی از موارد ضروری بررسی گردد.

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی مناظره

از نظر لغوی، مناظره از ریشه نظر به معنای دیدن با چشم و نگاه کردن است^۱ و گاه مراد، معرفت حاصل شده بعد از فحص و تأمل^۲ و یا با هم نظر کردن درباره حقیقت و ماهیت یک امر است.^۳ در اصطلاح، مناظره را مانند جدال و مناقشه، از فنون کلامی می‌دانند که هر یک از طرفین گفت‌وگو تلاش می‌کند با استفاده از مقدمات مسلّم و پذیرفته شده از سوی طرف مقابل، به گونه‌ای که نقض آن دشوار باشد، مطلب خود را اثبات نماید و فضیلت خویش را بر دیگران ثابت کند. البته هدف از مناظره، همیشه اثبات برتری خود بر دیگری نیست. یکی از اهداف اصلی مناظره، آموزش است. آموزش غیر مستقیم که به دلیل شیوه خاص خود، در اذهان ماندگار می‌ماند.^۴

۱-۲. بیان مسئله و روش تحقیق

مناظره یکی از روش‌های مهم آموزشی در عصر نبوی و به ویژه دوره ائمه هدی علیهم‌السلام، به منظور زمینه‌سازی برای رسیدن به درکی متقابل در راستای ایجاد نگرش مثبت، رد و بدل کردن اطلاعات، آگاهی‌بخشی و کاستن منازعات و کمک به حل مشکلات بوده است. مسلّم است که در فرهنگ و تفکر اسلامی، مناظره به شیوه علمی آن، در موضوعات و مسائل مختلف به ویژه مباحث عقیدتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و از این رو، بر اجرای آن، تأکید فراوان و توصیه مکرر شده است.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲. سید علی اکبر قرشی، *قاموس قرآن*، ص ۸۱.

۳. دهخدا، *لغت‌نامه*، ج ۱۴، ص ۲۱۵۶۳.

۴. شهید ثانی، *منیة المرید فی آداب المفید والمستفید*، ص ۵۴۷-۵۵۱.

با توجه به اهمیت مناظره در برخوردهای علمی - آموزشی معصومان (ع)، این مقاله به بررسی سیره مناظراتی امام رضا (ع) از دو بعد روش‌شناسی و سبک‌شناسی می‌پردازد. روش تحقیق مقاله حاضر، به صورت توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و استفاده از فنون استنباط و استدلال در تحلیل اطلاعات است و در پایان می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های زیر باشد.

۱. مهم‌ترین شاخصه‌های اخلاقی و علمی امام رضا (ع) در مناظرات، چه چیزهایی بوده است؟
۲. از منظر سبک‌شناسی، چه زیبایی‌های ادبی و بلاغی‌ای در مناظرات رضوی، وجود دارد؟

۱-۳- پیشنهاد تحقیق

با توجه به شهرتی که مناظره‌های رضوی در زمینه‌های گوناگون تاریخی، اجتماعی و اعتقادی دارند، پژوهش‌های مختلفی بر روی آنها صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. سپنجی و مؤمن‌دوست در مقاله /*اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (ع)*^۱ به بررسی راهکارهای اقناع‌کردن پیروان دیگر ادیان و برخی از فرق اسلامی به وسیله امام رضا (ع) با محور مناظره‌های آن حضرت پرداخته است. مجیدی در مقاله *تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (ع)*^۲ ضمن بررسی مناظره‌های رضوی با تمرکز بر واژگان، چشم‌انداز، استعاره و انسجام تاریخی به این نتیجه دست یافته است که امام (ع) برای اثبات حقانیت خویش و ابطال ادعاهای طرف‌های مناظره، از منازعه اخلاق‌گرایز گفتمانی، پرهیز می‌کرد.

۱. مجله علمی پژوهشی دین و ارتباطات، ۱۳۹۰، سال ۱۸، ش ۴۰.

۲. مجله فرهنگ رضوی، ۱۳۹۲، سال ۱، ش ۲.

شاهرودی و رودی در مقاله *برهان‌های اثبات وجود خدا در مناظره‌های امام رضا (ع)* در مرو،^۱ با توجه به مناظره‌های رضوی، به بررسی انواع برهان‌های حدوث، حرکت، نظم، امکان و وجوب و صدیقین، در اثبات وجود خداوند متعال پرداخته‌اند. شمسی و جوارشکیان در مقاله *تصویر آفرینش در مناظره عمران صابی با امام رضا (ع)* و خادمی و دیگران در مقاله *راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات*^۲ از زوایای ویژه‌ای به بررسی مناظره‌ها پرداخته‌اند که به علت واضح بودن عنوان از توضیح آنها خودداری می‌شود. با این حال، بر اساس مطالعات نظام‌مند، تاکنون پژوهشی به صورت منسجم، مناظره‌های رضوی را از زوایای روش‌شناسی و سبک‌شناسی، بررسی نکرده است. بنابراین، جای این گونه پژوهش‌ها در حوزه مناظره‌های رضوی خالی است.

۲. روش‌شناسی مناظرات رضوی

همان‌طور که اشاره شد، در بحث روش‌شناسی، اصول اخلاقی و علمی حاکم بر مناظره‌های رضوی، واکاوی خواهد شد.

۲-۱. اصول اخلاقی در مناظرات رضوی

پای‌بندی مناظره‌کننده به اخلاق انسانی، از عوامل اصلی قوام و پایداری یک مناظره است. با عنایت به این‌که بین اخلاق و ایمان، ارتباط مستقیمی برقرار است. امام رضا (ع) در اخلاق فردی و اجتماعی، خُلق والای پیامبر (ص) را حکایت می‌کرد. چنان‌که درباره ایشان می‌گویند:

در اخلاق او پیامبر (ص) جلوه‌گر می‌شود؛ چرا که او برخاسته از ریشه‌های

نبوی است.^۳

۱. مجله فرهنگ رضوی، ۱۳۹۴، سال ۳، ش ۱۱.

۲. هر دو چاپ شده در مجله فرهنگ رضوی، ۱۳۹۵، سال ۴، ش ۱۳.

۳. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۶۰۱.

بنابراین التزام به اصول و سجایای اخلاقی، در فرهنگ مناظره رضوی با دیگران، جایگاه برجسته و ممتازی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲-۱-۱. اعطای آزادی عقیده

از ویژگی‌های برجسته مناظره‌های ایشان، آزادی نسبی عقیده و به تبع آن، بروز آرای گوناگون در اثر حضور عالمان غیر مسلمان در جلسات مناظره است. روایات متعددی که از مناظره‌های آن حضرت بر جای مانده است، پای‌بندی عملی آن بزرگوار را بر این نوع آزادی نشان می‌دهد. برای نمونه، امام در ابتدای یکی از مناظره‌ها فرمود:

شیعیان ما را دعوت کنید. جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را فرا بخوانید و از آنان بخواهید که هرچه می‌خواهند در این جلسه از من بپرسند.^۱

در واقع، اولین مرحله مشهود در این فرایند دعوت امام رضا (ع) از دیگران برای مباحثه آزادانه است. امام (ع) همواره، مناظره را چنین آغاز می‌نمود:

اگر در بین شما کسی هست که می‌خواهد سؤال کند، بدون خجالت سؤال کند.

شیوه برخورد حضرت باعث شد تا عمران صابی به امام عرض کرد:

ای دانای مردم! اگر خودت دعوت و خواهش نکرده بودی که از شما سؤال شود. هرگز از شما، سؤال نمی‌نمودم.^۲

آن حضرت در مناظره با هر کدام از جاثلیق و رأس الجالوت دو بار به آنها اجازه دادند تا عقاید خویش را آزادانه ابراز کنند.^۳ بدین ترتیب، سعه صدر آن حضرت و احترام فراوان

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۷۲.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. عطاردی، اخبار و آثار حضرت رضا (ع)، ص ۹۳؛ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۸؛ طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۱۷.

ایشان به حق آزادی بیان، یکی از شاخصه‌های مهم اخلاق رضوی را در برخورد با پیروان سایر ادیان، رقم می‌زند. با این حال، همواره از طرف مقابل، دو درخواست می‌کرد که یکی رعایت انصاف بود. به عنوان نمونه در مناظره با سلیمان مروزی،^۱ امام علیه السلام فرمودند:

ای سلیمان! هر چه می‌خواهی از ابوالحسن پیرس، ولی خوب گوش کن و در

بحث، انصاف را رعایت کن.^۲

گاهی اوقات امام علیه السلام به انصاف طرف مقابل اقرار می‌کرد.^۳ درخواست دیگر امام علیه السلام از مناظره کننده، تعقل در پرسش بود. امام رضا علیه السلام در مناظره با عمران صابی هشت بار، او را به تعقل کردن ارشاد فرمودند.^۴

۲-۱-۲. داشتن روحیه مدارا و تسامح

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اخلاقی در مناظره‌های رضوی، رفق و مدارا و به اصطلاح، تسامح دینی است. سلوک آن حضرت با سران ادیان و عالمان مذاهب دیگر به گونه‌ای بوده است که برخی از آنان، با وجود اعتراف به اشتباه خویش در مسائل کلامی و حتی اعتقادی، با آن حضرت مباحثه می‌کردند. با این وجود، آن بزرگوار به دور از هر گونه تعصب با ایشان به تسامح برخورد می‌کردند.^۵ امام علیه السلام یکی از خصوصیات مؤمن حقیقی را

۱. از علمای کلام قرن سوم هجری و در سال ۲۰۰ هجری مناظره کرده است.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۷۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۳-۱۷۷.

۳. قلندری بردسیری، هشتمین امام، ص ۴۰.

۴. طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۵. آن حضرت علیه السلام نه تنها با عالمان و خواص ادیان، بلکه نسبت به عوام و توده این فرقه‌ها با رفق و مدارا رفتار می‌نمود. راوی می‌گوید: «به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا برای پدر و مادرم دعا کنم، با این که حق امامان و آل پیامبر را شناختند؟ امام فرمود: برای آنها دعا کن و صدقه بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی‌شناسند، با آنها مدارا کن» (ابن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل رسول، ص ۴۲۶).

مدارای با مردم معرفی می‌نماید؛ زیرا معتقد بودند اساس دعوت پیامبر (ص) بر اساس این روش بنا شده است.^۱

رویکرد تسامحی آن حضرت، منحصر به جنبه‌های شخصی بود، اما در خصوص مبانی اصولی مانند مبحث امامت و توحید، شاهد برخورد قاطع، صریح و بدون کمترین تسامح آن حضرت هستیم.^۲ با این حال، روش امام (ع)، بیان روشن‌گرانه معارف الهی و آزاد گذاشتن طرف مقابل در پذیرش یا عدم پذیرش است.^۳

۲-۱-۳. انجام مناظره به شیوه جدل احسن

یکی از ویژگی‌های علمی- اخلاقی مناظره‌های رضوی، انجام آن به روش جدل احسن است. واژه جدال از ریشه جدل دارای معانی متعددی، مانند به خاک افکندن،^۴ آوردن حجت برای حجت،^۵ شیوه گفت‌وگو و استدلال است.^۶

بر اساس دیدگاه مفسران، بالاترین و بهترین مناظره آن است که از نظر عقلی، فرد مقابل، وادار به پذیرش شود.^۷ این مشخصه، از ویژگی‌هایی است که به وضوح در مناظره‌های امام رضا (ع) مشاهده می‌شود؛ زیرا اعتراف و پذیرش جاثلیق، رأس الجالوت، عمران صابی و فرد زندیق در جایی که از نظر استدلال عقلی نمی‌توانستند پاسخ‌گو باشند، دیده می‌شود. حتی شخصی مانند عمران صابی، اسلام می‌آورد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۳۹.

۲. مفید، الفصول المختارة، ج ۱، ص ۳۸.

۳. صدوق، الأموال، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۹۰؛ طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۸۶.

۴. فراهیدی، کتاب العین، ج ۶، ص ۷۹.

۵. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۳۶.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۰۷.

۷. حنبکه الميدانی، ضوابط المعرفة وأصول الاستدلال والمناظرة، ۱۴۱۹، ص ۳۶۳.

یکی دیگر از ویژگی‌های جدل احسن این است که با درشت‌خویی، طعنه، اهانت یا تمسخر و استهزاء همراه نباشد.^۱ با مروری بر مناظره‌های آن حضرت درمی‌یابیم که در هیچ یک از آنها، کمترین توهین، درشت‌خویی و طعنه نسبت به طرف مقابل نشده است و با مشاهده عبارت‌هایی چون «فَهَيْمَتَ يَا عِمْرَانُ!»^۲ به روح نرم و سازش حاکم بر مناظره‌های ایشان، پی می‌بریم.

۲-۲. اصول علمی حاکم بر مناظرات رضوی

بی‌شک رعایت اصول اخلاقی، به تنهایی تضمین کننده موفقیت مناظره‌گر نیست. بلکه نیاز به متمم‌هایی دارد که یکی از آنها به کارگیری اصول علمی در مناظره است. برخی از مهم‌ترین اصول علمی به کار گرفته شده در مناظرات حضرت، عبارتند از:

۲-۲-۱. مخاطب‌شناسی

گام اول و اساسی در اجرای یک مناظره کارآمد، مخاطب‌شناسی است که از شاخص‌های مهم الگوی رفتار ارتباطی در سیره رضوی به شمار می‌آید. یکی از ویژگی‌های پیامبران و ائمه معصومان (علیهم‌السلام) این بوده است که در گفت‌وگوهای خویش، به سطح استعداد و میزان عقل مخاطب توجه می‌کردند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرمایند:

ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم بر اساس سطح فکر و عقل آنها سخن بگوییم.^۳

بر همین اساس مشاهده می‌شود، امام رضا (علیه‌السلام) در مناظره با یحیی بن ضحاک^۴ و دیگر علمای عامه در مجلس مأمون، استدلال‌های عمیق و پیچیده‌ای در اثبات عدم

۱. عبدالله حسن، المناظرات الإمامية، ۱۴۱۵، ص ۳۴؛ حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، ج ۱۴، ص ۳۵۶.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج ۱، ص ۱۷۰؛ طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۲۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱.

۴. یحیی بن ضحاک در سال ۲۰۰ هجری مناظره کرده و از علمای قرن دوم و سوم هجری است.

حقانیت خلافت خلیفه اول ارائه می‌فرماید، اما در موارد دیگر با درکی صحیح از استعداد و توان مناظره‌گران و با در نظر گرفتن فضای فکری و فرهنگی حاکم بر آنان، هیچ گاه وارد مباحث پیچیده علمی نشدند و با ظرافت، معضلات فکری و مشکلات عقیدتی آنان را پاسخ می‌دادند. چنانچه در احتجاج با عبدالعزیز بن مسلم و موارد دیگر، براهین ساده‌تری را به تناسب سطح فکری مخاطب خویش، به کار می‌برند.^۱

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، هرچه اجزای عناصر انسانی ارتباط؛ یعنی منبع و گیرنده، تشابه بیشتری داشته باشند، ارتباط موفق‌تر است. مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها، سطح دانش و موقعیت فرد در سیستم اجتماعی- فرهنگی، اجزای شناخته شده هستند. هم‌چنین، داشتن تجربه دینی مشترک در ارتباطات میان فردی در راستی افزایش تشابه، قابلیت طرح دارد.^۲ بازخوانی مناظره‌های امام (ع)، نشان می‌دهد که ایشان در مواردی، کمترین تشابه ممکن را با طرف مناظره‌کننده داشته‌اند. به نظر می‌رسد دلیل برقراری ارتباط‌هایی مؤثر به وسیله ایشان، به توان مخاطب‌شناسی حضرت (ع) مربوط می‌شود که متناسب حال و درک مخاطب، پیام‌های خویش را تعدیل می‌کردند.

۲-۲-۲. تأکید بر پرسش از مخاطب

در فرهنگ مناظره رضوی، همواره بر پرسش از مخاطب، تأکید بسیار شده است. آن حضرت (ع) با این عمل سعی می‌کردند، ابعاد مختلف پرسش را مشخص کنند و مخاطب را وادار به تفکر و تعمق نمایند. برای نمونه درباره مناظره امام (ع) با عمران صابی می‌نویسند:

عمران از ایشان پرسید: آقای من! کسی که موجودات را آفریده، با آفرینش

آنها تغییری در کارش ایجاد می‌شود و حالش دگرگون می‌گردد؟ امام (ع)

۱. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۳۳-۴۴۰.

۲. برکو، ری و همکاران، مدیریت ارتباطات، ص ۱۵۸-۱۶۲.

فرمودند: آیا دیده‌ای تغییر آتش، آن را تغییر بدهد؟ یا دیده‌ای که حرارت، خودش را بسوزاند؟ یا هیچ دیده‌ای که شخص بی‌نا، بینایی خود را ببیند؟ عمران گفت: نه ندیده‌ام، سرورم. سپس از آن حضرت، پرسید: آیا خدا در مخلوقات است یا مخلوقات در او؟... آیا تو در آینه هستی یا آینه در تو؟ اگر هیچ کدام در دیگری نیستید، چگونه خودت را در آینه می‌بینی؟^۱

همان‌طور که ملاحظه شد، این روش نشان می‌دهد که هدف امام (ع) از مناظره، تکامل ذهن مخاطب از موضوع یا مشکل مطرح شده است، نه فقط پاسخ‌گویی. در راستای رسیدن به چنین هدفی، ابتدا برای مخاطب روشن می‌شد که منظور از پرسش او چیست و سپس به آن پاسخ می‌دادند؛ زیرا در صورت مشخص‌نشدن کامل مفهوم پرسش، هر چند پاسخ صحیحی داده می‌شد، شبهه دیگری برای فرد مطرح می‌گردید که حاصل ناقص مطرح‌شدن پرسش بود.

۲-۳. تکلم به زبان مناظره‌کنندگان

اسناد تاریخی و روایی معتبر، گویای این حقیقت است که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) بر زبان‌های مختلفی تسلط کامل داشته است و با مناظره‌گران با زبان متداول آنان، مباحثه می‌فرمود.^۲ هنگامی که اباصلت هروی^۳ خطاب به امام رضا (ع) از تسلط ایشان بر سایر زبان‌ها اظهار شگفتی کرد، امام (ع) به او فرمودند:

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۷۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳۱۳.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۲۸.

۳. عبدالسلام بن صالح بن سلیمان مشهور به خواجه اباصلت (۱۶۰ ه.ق) در مدینه منوره به دنیا آمده است. از آن‌جا که جدّ اعلای او از هرات خراسان زمان خود بود، به اباصلت هروی معروف گردید. خواجه اباصلت خادم خاص و صحابی برجسته و امین علی بن موسی الرضا بود و بنا بر نظر بسیاری از علمای شیعه و سنی، او از محدثان شیعه مذهب و محبّ اهل بیت و فردی عادل، ثقه، راست‌گو، اهل علم و حدیث، زاهد، مردم دوست و بسیار اهل سفر بوده است. اباصلت هروی در آخر شوال سال ۲۳۶ هجری قمری، ۳۳ سال پس از درگذشت علی بن موسی الرضا در خراسان درگذشت.

من حجّت خدا بر مردم هستم. چگونه می‌شود خداوند حجّتی بر مردم بگمارد، ولی او زبان مؤمنان را درک نکند؟ مگر سخن امیرمؤمنان (ع) را دریافته‌ای که فرمود: به ما فصل الخطاب عطا شده است و آن موهبتی جز شناخت زبان‌ها نیست.^۱

در گزارش دیگری در این باره بیان می‌شود:

شخصی به نام عمرو بن هذّاب به امام (ع) عرض کردند: محمد بن فضل مدعی است شما به آنچه خداوند نازل کرده است، عالم‌هستید و با هر لغت و زبانی آشنا هستید. امام فرمود: او راست گفته است. می‌توانید امتحان کنید. عمرو بن هذّاب گفت: قبل از هر چیز، درباره آشنایی با زبان‌ها و لغات مختلف، تو را می‌آزماییم. ما افرادی از زبان‌های مختلف رومی، هندی، فارسی و ترکی در این‌جا حاضر کرده‌ایم تا با شما در این باره سخن بگویند. امام فرمود: هر چه دوست دارند بپرسند. *إن شاء الله* پاسخ خواهم داد.

به دنبال آمادگی آن حضرت، هر یک از افراد، مسئله‌ای را به زبان خود پرسیدند و حضرت به زبان آنان به تمام مسائل پاسخ داد. همه آنان که با حضرت سخن گفتند اعتراف کردند حضرت نسبت به زبان آنان از خودشان آشناتر است.^۲

۲-۲-۴. استناد به متون مقدّس دیگر ادیان

در مناظرات دینی، انصاف حکم می‌کند که مناظره‌کننده برای اثبات حقانیت خویش، به کتاب مقدّس و مورد اعتقاد طرف مقابل، استناد کند. امام رضا (ع) همواره پای‌بند به این اصل بودند^۳ در این زمینه می‌فرمایند:

۱. صدوق، *عیون أخبار الرضا (ع)*، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲. همان، ج ۲، باب معرفته بجميع اللغات؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۴۹، ص ۷۳-۷۹.

۳. طبرسی، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۲، ص ۴۳.

منصف‌ترین مردم کسی است که با دشمنش با آیین، کتاب و شریعت طرف

مقابل، محاجّه کند.^۱

با توجه به این که حجیت قرآن بر سران سایر ادیان، اثبات نشده بود، استناد به آن مورد پذیرش آنان، قرار نمی‌گرفت. به همین دلیل، التزام به این اصل، در مناظره‌های رضوی چشم‌گیر است. چنان که از کلام جاثلیق مشخص می‌شود که وقتی مأمون از او برای مناظره با امام علیه السلام دعوت کرد، در جواب گفت:

چگونه با مردی مذاکره کنم که برایم از کتابی حجت می‌آورد که من منکر

آن هستم.

امام رضا علیه السلام در جوابش فرمودند:

ای نصرانی! اگر با انجیل خودت برایتان حجت بیاورم، آن را می‌پذیری؟^۲

۲-۲-۵. بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام در مناظره با فریق اسلامی

همان‌طور که در مقدمه بیان شد، آن حضرت، مناظره‌هایی درون دینی داشتند که به عنوان نمونه می‌توان به مناظره با موسی بن طارق یمانی^۳ ابو قره زبیدی،^۴ درباره مسائل خداشناسی،^۵ گفت‌وگو با یحیی بن ضحاک درباره امامت^۶ و مناظره دنباله‌دار با سلیمان مروزی (وفات قبل از ۲۱۰ ه.ق)^۷ اشاره کرد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۸۰.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۵۲؛ طبرسی، أعلام السوری بأعلام الهدی، ص ۳۲۰.

۳. تاریخ وفات او مشخص نیست. ابو قره از رجال عامّه و صاحب منصب قضا بود و از راویان ابن جریر متوفی به سال ۱۵۰ ه.ق بود (طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۹۳، پاورقی).

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۹۶.

۵. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱-۲۳۲.

۶. همان، ص ۱۷۹-۱۹۰.

یکی از روش‌هایی که امام (ع) در رویارویی با فِرَق و نَحَل اسلامی از آن بهره می‌گرفت، رجوع به قرآن کریم و استناد مناسب به محکّمات قرآن کریم است که جای هر عذر و بهانه‌ای را می‌گرفت.^۱ علاوه بر این‌ها، امام رضا (ع) در مناظره‌ها و تبلیغات خویش، بیشتر به حدیثی از سایر معصومان (ع) استناد می‌فرمود و با این اقدام خویش، یعنی با حفظ سلسله سند از امامان قبل از خود تا امام علی (ع) و پیامبر (ص)، تشیع اعتقادی را تأیید می‌نمود.

۲-۲-۶. همگامی با طرف مقابل در جهت رسیدن به درک متقابل

با توجه به این که مناظره کننده با بیان ایده و عقیده خویش، سعی می‌کند به هر روشی از آن دفاع نماید، برخی‌ها معتقدند بحث و مناظره، تنها نشان‌دهنده ناهماهنگی در فعالیت‌ها و فقدان هر گونه زمینه مشترک درون ارتباطی است.^۲ در حالی که گزارش‌های تاریخی درباره مناظره امام رضا (ع) با جاثلیق نصرانی می‌نویسند:

امام رضا (ع) در مناظره با جاثلیق نصرانی، به او فرمود: «تو ای جاثلیق! قایل هستی که شهادت عیسی (ع) در حق خودش بود که گفت: با شما ای گروه حواریین می‌گویم که به سوی آسمان صعود نمی‌کند، مگر کسی که از آسمان نازل شده باشد غیر از سوار شونده بر شتر که خاتم پیغمبران است. همانا آن حضرت به جانب آسمان صعود می‌نماید و فرود می‌آید. پس درباره این سخن، چه می‌گویی؟» (هدایت کردن به جهت بحث). جاثلیق گفت: «این قول عیسی است و من منکر آن نیستم.» امام (ع) فرمود: «پس در خصوص شهادت لوقا و مراقبوس و متی در حق شهادت عیسی و در آنچه عیسی را به آن نسبت دادند

۱. ابن سلامه، مسند الشهاب، ج ۲، ص ۳۲۴؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۸۰؛ حرّعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۱-۴۲۲؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. لیزینا، مایا ایوانونا، الگوهای ارتباطی، ص ۴۳.

چه می‌گویی؟» (هدایت کردن) جاثلیق عرض کرد: «ایشان بر عیسی دروغ بستند.» امام فرمود: «ای قوم! آیا جاثلیق از اوّل این علما را که اکنون می‌گویند دروغ بستند، تزکیه نکرد و گواهی نداد که ایشان از علمای انجیل هستند و قول ایشان، مقرون به حق و راستی است؟» جاثلیق عرض کرد: «ای عالم مسلمانان! دوست دارم که مرا از امر این علما عفو بداری.» امام علیه السلام فرمودند: «تو را از این کار عفو داشتم و از این مسئله درگذشتم. (همگامی در جهت درک متقابل) اینک درباره هر چه می‌خواهی بپرس ای جاثلیق!»^۱

این سیره حضرت نشان می‌دهد آن بزرگوار به دنبال محکوم کردن کسی نبوده است بلکه هدف اصلی ایشان، ارتقای فهم و آگاهی طرف مقابل برای رسیدن به درکی درست از موضوع مورد بحث است.

۲-۲-۷. الزام طرف مقابل به پذیرش اشتباه خود

گزارش‌های تاریخی در این باره می‌نویسند:

امام رضا علیه السلام در مناظره با جاثلیق که در حضور علمای ادیان مختلف صورت گرفت از وی پرسید: آیا نمی‌پذیری که عیسی علیه السلام مردگان را به اذن خداوند متعال زنده می‌کرد؟ جاثلیق گفت: آری! آن را انکار می‌کنم؛ زیرا کسی که مردگان را زنده کند و کور مادرزاد و بیمار مبتلا به برص را شفا دهد، او پروردگار من و شایسته عبودیت است. در این حال، امام علیه السلام ضمن بیان معجزاتی از دیگر پیامبران، نمونه‌هایی از معجزات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از قبیل: احیای مردگان و شفای بعضی از بیماری‌های علاج‌ناپذیر به دست آن بزرگوار را برشمردند و افزودند: «با وجود این، ما هرگز، پیامبران را ارباب خود نمی‌دانیم؛ زیرا اگر به

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

سبب این گونه معجزات، عیسی (ع) را خدای خود بیندارید، باید یسع و حزقیل را از آن روی که آنان نیز مردگان را زنده می‌کردند به عنوان معبود خویش برگزینید. هم‌چنین ابراهیم (ع) را «جهان آفرین» بدانید؛ چرا که او نیز پرندگان را برگرفته و سر برید و اجزای آنان را بر کوه‌های اطراف خود قرار داد، سپس آنها را فرا خواند و همگی زنده شدند. موسی بن عمران نیز هفتاد نفر را که با او به کوه طور آمده بر اثر صاعقه مرده بودند زنده ساخت. تو هرگز نمی‌توانی این حقایق را انکار کنی؛ زیرا تورات، انجیل، زبور و قرآن از آن حکایت دارند و در این فرض باید همه آنان را خدای خویش بدانیم.» جاثلیق که از پاسخ عاجز مانده بود، ناگزیر تسلیم شد و گفت: «الْقَوْلُ قَوْلُكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».^۱

۲-۲-۸. پیشبرد مناظره به مقتضای رویکرد اعتقادی طرف مقابل

بازخوانی اصول علمی حاکم بر مناظره‌های رضوی، نشان می‌دهد که امام رضا (ع) همواره در مناظره، بر اساس رویکرد اعتقادی طرف مقابل، مناظره را به پیش می‌بردند. به عنوان نمونه در برخورد با زنادقه و ملحدان، با توجه به این که به هیچ کتابی یا خدایی معتقد نبودند از روش استدلالی بهره می‌جستند.

در مناظره با پیروان سایر ادیان، علاوه بر روش نقلی؛ یعنی استناد به کتب مقدس آنان، از روش عقلی نیز بهره می‌بردند، اما در مناظره با متکلمان اسلامی، علاوه بر توسل به استدلال عقلی، از آیات قرآن و سخنان شخصیت‌های تاریخی بهره می‌بردند. چیزی که در مناظره با سلیمان مروزی شاهد آن هستیم. نمونه دیگر این که آن حضرت در مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی در موضوع امامت، با استفاده از سخنان و اقوال خلفای راشدین (۱۱-۴۰هـ) به اثبات امامت خویش پرداختند.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۶۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳۰۳-۳۰۵.

۳. سبک‌شناسی مناظرات رضوی

سبک‌شناسی یکی از علوم جدید در حوزه ادبیات است. سبک به معنای طرز بیان است. بین روحیه و خلق صاحب اثر از یک سو و معنای مورد نظر وی از سوی دیگر، ارتباط مستقیم وجود دارد. هر نویسنده و گوینده‌ای، سبک منحصر به فرد خود را دارد که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، تاریخی و دینی قرار می‌گیرد.^۱

بیشتر زبان‌شناسان برای شناخت یک اثر متنی از معیارهای معروفی، مانند داشتن نظم بیانی در متن شامل استفاده از صنعت تکرار، عمیق و کوتاه بودن بنا بر حال مخاطب و توجه به آهنگ و ریتم کلمات؛ تسلسل و نظم منطقی مباحث؛ ارائه برهان به شیوه حصر عقلی، تصویرسازی و معناشناسی شامل هماهنگی لفظ با معنا، انتخاب آگاهانه واژگان و به کارگیری ساختارهای تأکیدی استفاده می‌کنند.^۲

علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در مناظره‌های خویش در کنار رعایت اصول اخلاقی و علمی، همواره سعی می‌کرد برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب، گفتار خویش را به انواع تکنیک‌های ادبی و بلاغی، مزین نماید که در این بخش، به بیان برخی از مهم‌ترین این موارد می‌پردازیم.

۳-۱. نظم بیانی متن

همان‌طور که اشاره شد، مفاهیمی که در نظم بیانی متن سنجیده می‌شوند، حول محور تکرارها، طولانی یا کوتاه بودن عبارت‌ها بر اساس حال مخاطب و توجه به آهنگ و ریتم کلمات است که در این‌جا بررسی می‌گردند.

۱. سیروس شمیسا، کلیات سبک‌شناسی، ص ۱۵.

۲. محمد عیادشکری، مدخل إلى علم الأسلوب، ص ۶۷-۷۳؛ محمدکریم کواز، سبک‌شناسی/عجاز بلاغی قرآن، ص ۵۴-۶۲.

۳-۱-۱. استفاده از صنعت تکرار

در سخنان امام علی بن موسی الرضا (ع)، یکی از ویژگی‌های مهم نظم بیانی، تکرار برخی کلمات است. این مسئله دلایل خاصی دارد که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

آن حضرت در مناظره با عمران صابی درباره خداوند می‌فرماید:

أَمَّا الْوَاحِدُ فَلَمْ يَزَلْ وَاحِدًا كَائِنًا لَا شَيْءَ مَعَهُ بَلَا حُدُودٍ وَلَا أَغْرَاضٍ وَلَا يَزَالُ
كَذَلِكَ ثُمَّ خَلَقَ خَلْقًا مُتَبَدِّعًا مُخْتَلِفًا بِأَغْرَاضٍ وَحُدُودٍ مُخْتَلِفَةٍ لَا فِي شَيْءٍ أَقَامَهُ وَلَا
فِي شَيْءٍ حَدَّهُ وَلَا عَلَى شَيْءٍ حَدَّاهُ.^۱

یا در جایی دیگر، چنین می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ الْمُبْدِيَّ الْوَاحِدَ الْكَائِنُ الْأَوَّلَ لَمْ يَزَلْ وَاحِدًا لَا شَيْءَ مَعَهُ قَرْدًا لَا ثَانِيَّ
مَعَهُ لَا مَعْلُومًا وَلَا مَجْهُوًّا وَلَا مُحْكَمًا وَلَا مُتَشَابِهًا وَلَا مَذْكُورًا وَلَا مُنْسِيًّا.^۲

با توجه به این که بر اساس قواعد نحوی در عبارات بالا، نیازی به تکرار حرف لا نیست؛ زیرا معنای حرف نفی لا به وسیله حرف عطف واو منتقل می‌شود اما آن حضرت، حرف لا را به نشانه تأکید بسیار، تکرار می‌فرمودند.

گاهی گوینده کلام، واژه‌ای را به دلیل التذاذ یا تبرک جستن، تکرار می‌کند. به عنوان نمونه، تکرار کلمه الله و یا صفت عز وجل در بخش‌هایی از سخنان حضرت، همین هدف را دنبال می‌کند:

أَمَّا الْفَرَائِضُ فَبِأَمْرِ اللَّهِ وَبِرِضَى اللَّهِ وَبِقَضَاءِ اللَّهِ.^۳
يَا سَلِيمَانُ إِنْ بَطَلَ الْخُلُودُ وَخِلَافُ الْكِتَابِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ
فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا هُمْ مِنْهَا

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۲؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل رسول، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۸.

بِمُخْرِجِينَ وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ وَفَاكِهَةً كَثِيرَةً لَا
مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ.^۱

۳-۱-۲. به کارگیری اطناب مفید (غیر مخل)

تلذذ، تبرک و تأکید، تنها مختص به تکرار لفظی نیست؛ بلکه گاهی اوقات، طولانی بودن کلام و تکرار معنای واحد در الفاظ مختلف، نوعی تأکید بر موضوع تلذذ و تبرک است که این امر به عنوان اطناب مفید یا غیر مخل شناخته می شود. نمونه این نوع اطناب در مناظرات فراوان نیست، اما در بررسی کلام امام (علیه السلام) گاهی دیده می شود که حضرت بر اساس حال مخاطب، از اطناب غیر مخل برای انتقال بار تأکیدی و التذادی معنای خاصی، بهره گرفته است.

هرگاه معنای عبارت، بسیار مهم بوده است و بیان آن و در نتیجه شنیدن آن به وسیله مخاطب، بسیار ارزشمند بوده است، امام (علیه السلام) کلام را با اطناب بیان می کند تا مخاطب از شنیدن و در نتیجه درک این مفاهیم، بیشترین التذاد و بهره فکری و معنوی را به دست آورد. نمونه اطناب غیر مخل در توصیف نام های خداوند به وسیله ایشان به چشم می خورد.

برای نمونه می توان به توصیف اسم الظاهر توجه کرد که امام (علیه السلام) در این باره می فرماید:

و اما ظاهر، به این معنا نیست که با سوار شدن بر اشیا و نشستن بر آنها، از

آنها بالا رفته است بلکه به این خاطر به او ظاهر گفته می شود که بر همه چیز

چیره و قاهر است و بر همه چیز غلبه یافته و نسبت به همه چیز قادر است، مثلاً

گفته می شود بر دشمنان خود پیروز شدم و خداوند مرا بر دشمنم پیروز گردانید،

در این جا منظور از ظهور، فتح و غلبه است و ظهور خدا بر اشیا نیز این گونه

است.^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۳۰۰؛ طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۹۳.

با اندکی تدبّر در سخنان بالا می‌توان پی برد که آن حضرت برای شرح معنای لفظ ظاهر که از صفات خداوند است از اطناب غیر مخلّ (مفید) استفاده می‌کند و آن را به عنوان قاهر بودن، سپس غلبه داشتن و بعد چیره و قادر بودن شرح می‌دهد و سرانجام به بیان نمونه‌هایی از کلام عرب برای اثبات موضوع بالا می‌پردازد. این نوع اطناب، از یک سو بیان‌کننده تأکید معنایی است و از سوی دیگر تبرّک و تلذّذ گوینده و شنونده را برای بیان و دریافت این مفاهیم والا می‌رساند.

۳-۱-۳. عمیق و کوتاه بودن سخن

عمیق و کوتاه بودن سخن، یکی از خصوصیت‌های مهم مناظرات رضوی است. به گونه‌ای که آن حضرت در توصیف خداوند متعال برای زندیقی می‌فرمایند:

خداوند قابل تعریف و تحدید نیست. پرسید: چرا؟ فرمودند: زیرا هر محدودی به حدی منتهی می‌شود و هرگاه احتمال تحدید وجود داشته باشد، احتمال زیادت و نقصان نیز وجود دارد. حال آنکه خداوند نه محدود به زمان و مکان است و نه نقصان و تجزیه در او راه دارد و نه با وهم و گمان می‌توان او را درک نمود و تصوّر کرد.^۱

لازم به توضیح است که احتجاجات امام (ع) با وجود برخورداری از اختصار و ایجاز کلام، دربردارنده انبوهی از معارف است. به عنوان نمونه، در مناظره مختصر امام (ع) با یحیی بن ضحاک و دیگر علمای عامّه در مجلس مأمون، آن حضرت (ع) از احتجاج مختصر امّا عمیقی بهره بردند.^۲

۱. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللّجاج، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۴، ص ۳۵۱؛ طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللّجاج، ج ۲، ص ۴۴۰.

۳-۱-۴. توجه به آهنگ و ریتم کلام

در زبان عربی، ریتم حروف تشکیل دهنده کلمه و ویژگی هر یک از این حروف و آهنگ جملات، چنان تأثیر مهمی در سیر معنایی جمله دارد که گفته می‌شود میان آهنگ و معنا، رابطه مستقیمی وجود دارد. در سخنان مناظره‌ای امام رضا علیه السلام کاربرد این ویژگی، بارز و برجسته است. آن حضرت در این سخنان از آهنگ خاص حروف، کلمات و جملات برای انتقال کامل معنا بهره گرفته‌اند که به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌شود:

لَا حَدٌّ لِعَیْرِ مَحْدُودٍ وَالصَّغَاتُ وَالْأَسْمَاءُ كُلُّهَا تَدُلُّ عَلَى الْكَمَالِ وَالْوُجُودِ وَلَا تَدُلُّ عَلَى الْإِلْهَادِ كَمَا تَدُلُّ الْخُدُودُ الْآتِيَّةُ^۱

در عبارت بالا، تکرار حرف دال مشهود است. حرف دال از حروف نطعی است و بر قطعیت کلام دلالت می‌کند.^۲ بنابراین، تکرار این حرف در جمله، نشان دهنده قاطعیت کلام و عدم شک و تردید در حکم کلی جمله است. ویژگی دیگری که در کلام حضرت به چشم می‌خورد، استفاده از حروف مد است. با توجه به این که حروف مد با امتداد صوت در هنگام تلفظ همراه است، بر نوعی امتداد زمان دلالت می‌کند. برای نمونه در کلام امام رضا علیه السلام آمده است:

خَلَقَ الْأَشْيَاءَ وَ عَلِمَهُ بِهَا سَابِقُ لَهَا كَمَا شَاءَ.^۳

در این عبارت، هماهنگی میان کلماتی با حرف مد در انتهای کلام، منجر به امتداد تلفظ و صوت، هنگام قرائت شده است. در نتیجه بر اساس اصل تطابق موسیقی و معنا نشان دهنده امتداد زمانی معنای عبارت است. به این صورت که همیشه و در هر زمان و شرایطی، این خداوند متعال است که اشیا را خلق می‌کند و به آنها علم کامل دارد و

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. سلیمان، قواعد التجوید فی تلاوة القرآن، ص ۵۱.

۳. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۸؛ همو، التوحید، ص ۳۷۶.

همواره همان گونه است که او می‌خواهد. در این میان، استفاده از ویژگی موسیقایی و حروف دیگر برای انتقال معنای خاص قابل توجه است که می‌توان به سخنی از امام (ع) اشاره کرد که می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدَّرَ الْمَقَادِيرَ وَدَبَّرَ التَّدَابِيرَ.^۱

تکرار حرف را در این عبارتها، معلوم است. با توجه به این که ویژگی موسیقایی حرف را، تکرار است.^۲ بنابراین، حضرت (ع) از واژگان خاصی استفاده کرده‌اند که همگی به حرف را ختم می‌شود تا ویژگی موسیقایی این حرف در ادای معنای تکرارپذیری عمل آشکار باشد. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که این خداوند متعال است که مقدرات و تدبیر لازم را همواره و پی‌درپی در نظر می‌گیرد. بنابراین، در نمونه بالا به کاربرد موسیقایی حروف برای انتقال معنا به طور کامل توجه شده است.

۲-۳. تسلسل و نظم منطقی مباحث

تسلسل و نظم منطقی به این معنا است که تمامی سخنان به شکلی دسته‌بندی شده باشد که برای رسیدن به یک هدف با یک‌دیگر مرتبط باشند. در مناظره‌های آن حضرت (ع)، چنان پیوندی میان هر یک از سخنان آن بزرگوار وجود دارد که هیچ یک از آنها را نمی‌توان به گونه‌ای حذف کرد که بتوان گفت، از آن بی‌نیاز بوده است. رعایت این اصل، به ویژه در مناظره‌های طولانی امام رضا (ع) آشکار است. برای نمونه، زمانی که عمران صابی از امام رضا (ع) درخواست کرد که از نخستین وجود و مخلوقات خداوند با وی سخن بگوید آن حضرت، پاسخ خویش را با این مقدمه آغاز فرمودند:

اما خداوند یگانه از ازل بی‌همتا بوده است، موجودی است که چیزی با او

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲. سلیمان، قواعد التجوید فی تلاوة القرآن، ص ۵۱.

نبوده است. حدود و اعراض، راهی به او نداشته و الا ن، هم چنان که در آینده چنان است. پس مخلوقات را به طور ابداعی با اغراض مختلف و موارد گوناگون آفرید. این خلقت ابداعی را نه در چیزی برپا داشت و نه در چیزی محدود ساخت. نه بر چیزی مقابل نمود و نه با چیزی مشابه.

در ادامه، ایشان با تجزیه و تحلیل مباحث، ضمن تبیین جایگاه خداوند و مخلوقات، نتیجه می گیرند:

خداوند متعال، مخلوقات را از روی احتیاج نیافریده است. بلکه احتیاج را در مخلوقات به وجود آورده است که به وسیله بعضی از آنها به بعضی دیگر منتقل می گردد و بعضی را بر بعضی ترجیح داده است. بدون نیاز به آنچه برتر است و بدون خصومت با آنچه در موقعیت پست قرار گرفته است و بدین ترتیب، موجودات را خلق کرده است.^۱

۳-۳. ادائه برهان به شیوه حصر عقلی

حصر عقلی آن است که پاسخ قضیه‌ای به استدلال عقلانی از چند حالت معین خارج نباشد و مخاطب، ملزم به پذیرش یکی از آن حالت‌ها باشد.^۲ در حالی که پذیرش هر یک از آنها به شکست او می‌انجامد. امام رضا (ع) در مناظره با بزرگان ادیان، چند بار از این شیوه بهره گرفتند. به عنوان نمونه، زمانی که ایشان نام پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت بزرگوار او را از انجیل قرائت کرد به جاثلیق فرمود:

حال چه می‌گویی؟ ای نصرانی! این گفتار حضرت مسیح (ع) است، اگر مطالب انجیل را تکذیب کنی، موسی و عیسی را تکذیب کرده‌ای و اگر این

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۲. جرجانی، التعریفات، ص ۵۳؛ رفیق عجم، موسوعة مصطلحات ابن خلدون والشریف علی محمد الجرجانی، ج ۲، ص ۱۷۱.

مطلب را منکر شوی، قتلت واجب است؛ زیرا به خداوند متعال و پیامبر و کتابت کافر شده‌ای.^۱

امام (ع) در این بخش از مناظره، جاثلیق را در دو راهی پذیرش کلام بیان شده از زبان حضرت عیسی (ع) یا تکذیب آن قرار می‌دهند. واضح است که پذیرش راه اول، منتهی به پذیرش نبوت حضرت محمد (ص) می‌شود و انتخاب راه دوم، منتهی به تکذیب پیامبری حضرت موسی و عیسی است؛ زیرا آن دو پیامبر، این کلام را در کتاب‌هایشان آورده‌اند و تکذیب آنها هم منجر به حکم کفر جاثلیق خواهد شد. مشاهده می‌کنیم که جاثلیق، راه اول را ترجیح می‌دهد و با گفتن «من مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود انکار نمی‌کنم بلکه بدان باور دارم»^۲ بر درستی مطالب گفته شده از انجیل، درباره وجود نام حضرت محمد (ص) و اهل بیت (ع) در این کتاب اعتراف می‌کند.

۳-۴. تصویرسازی

در بررسی سبک‌شناسی آثار و متون ادبی، یکی از ویژگی‌های بسیار مهم برای زبان‌شناسان، میزان و روش تصویرسازی گوینده کلام است. بدین ترتیب که گوینده برای نزدیک سازی معنا به ذهن مخاطب خود، چگونه به تصویرسازی مفاهیم پرداخته است و این مجموعه تصاویر برای درک بهتر معانی، چگونه بیان شده است؟ در این میان، باید توجه کرد که مسئله تصویرسازی در سخنان امام رضا (ع) به وضوح قابل مشاهده است تا این موضوع، فاصله میان گوینده و مخاطب را جبران کند و مفاهیم گوینده را برای مخاطب، قابل فهم نماید. به عنوان نمونه، حضرت در مناظره با مرد زندیقی که درباره لطیف بودن خداوند پرسش کرده بود، فرمودند:

آیا اثر خلق او را در خلق ظریف و دقیق حیوانات کوچکی مانند پشه و

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۵۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳۰۲.

۲. همان؛ همان.

پشه‌ریزه و کوچکتر از آن که چشم به سختی آن را می‌بیند؛ بلکه از فرط ریزی، نر و ماده و بچه و بزرگ آنها از یک‌دیگر تشخیص داده نمی‌شود، ندیده‌ای؟ وقتی کوچکی آنها را در عین ظرافتشان می‌بینیم وقتی آشنایی آنها را به روش آمیزش مخصوص به خود و فرار از مرگ و جمع‌آوری مایحتاجشان از دل دریاها و پوست درختان و پهنه دشت‌ها و بیابان‌ها می‌نگریم، وقتی به سخن گفتن آنها و شیوه فهم سخنان یک‌دیگر و فهمیدن کلام بزرگترها به وسیله بچه‌ها و غذا آوردن والدین برای فرزندان‌شان می‌اندیشیم و همین گونه به رنگ آمیزی آنان، قرمز با زرد، سفید با سبز و نیز آنچه چشمانمان به سختی تمام پیکره‌اش را می‌بیند و آنچه نه چشم می‌بیند و نه دست می‌تواند لمس کند می‌نگریم، می‌فهمیم که خالق این مخلوقات، لطیف و دقیق است و خلق و آفرینش آنچه را که شرح آن گذشت با دقت و ظرافت و بدون وسیله، انجام داده است.^۱

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حضرت برای بیان معنای واقعی صفت الهی لطیف، به تشریح کامل موجودات ریز می‌پردازد و این توصیف را به قدری دقیق و کامل انجام می‌دهد که تصویری از موجودات ریز در مقابل دیده مخاطب، آشکار می‌شود. گویا که مخاطب، این جان‌داران و چگونگی زندگی آنان را در مقابل خود می‌بیند و به دقت در آنچه روی می‌دهد به ویژگی لطیف بودن خداوند پی می‌برد. در این تصویرسازی دقت، موشکافی و ارائه ترکیبی از بخش‌های مختلف، مانند تابلویی معرفی می‌شود که فرد مخاطب، عمق معنای مورد نظر گوینده را به خوبی درک می‌کند. این تصویرسازی هنرمندانه و عالمانه در بخش‌های دیگر از سخنان حضرت نیز دیده می‌شود. برای نمونه، ایشان در مناظره با همین زندیقی که خواستار دلیلی برای وجود اثبات خداوند بوده است، می‌فرمایند:

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۹.

وقتی به بدنم می‌نگرم و می‌بینم نمی‌توانم در طول و عرض، چیزی از آن کم کنم یا بر آن بیفزایم و سختی‌ها را از آن دفع کنم و چیزی به سود آن انجام دهم، می‌فهمم که این ساختمان، بناکننده‌ای دارد و به او معتقد می‌شوم. علاوه بر این، دوران فلک را به امر و قدرتش و ایجادشدن ابرها و گردش بادهای و حرکت ماه و خورشید و ستارگان و سایر آیات عجیب و مستقن الهی را می‌بینم و بنابراین، می‌فهمم که اینها همه تقدیرکننده و ایجادکننده‌ای دارد.^۱

با اندکی تأمل در تصویرسازی بالا می‌توان پی برد که حضرت برای به تصویر کشیدن رابطه علی و معلولی، نه چنان کلی‌گویی می‌کند که منجر به عدم فهم این اصل مهم به علت عدم ارائه مصداق عینی باشد و نه چنان محدود، سخن می‌گوید که فرد قادر به فهم کامل این اصل به عنوان یکی از اصول اساسی کل آفرینش نباشد.

به عبارت دیگر، شاهد هستیم که حضرت برای اثبات این اصل، ابتدا از مصداقی کوچک به عنوان بدن انسان شروع می‌کند و به تصویرسازی کامل سود و زیان آن می‌پردازد. سپس دامنه تصویرسازی را گسترش می‌دهد و آن را در محدوده عالم ستارگان و نجوم و گردش آنها مطرح می‌کند که این تصویرسازی از ویژگی راهنمایی فرد از یک مصداق کوچک به مصداقی کامل برخوردار بوده است و گویا هر لحظه، بخشی از تصویر را در مقابل مخاطب قرار داده و سپس این تصاویر را در کنار هم قرار داده است و در نتیجه کلی، ضرورت وجود خالق را استنباط نموده است.

۳-۵. معناسازی

در بحث معناسازی و تأثیر آن در معرفی یک مناظره موفق، چند مسئله قابل طرح است، مانند:

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳-۵-۱. به کارگیری ساختارهای تأکیدی

یکی از ساختارهای تأکیدی امام علیه السلام، استفاده فراوان از ساختار «قد+ فعل ماضی»

برای نشان دادن قطعیت حقیقت است. به عنوان نمونه:

فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ مَنْ اسْتَوْصَفَهُ وَقَدْ نَعَدَاهُ مَنْ اشْتَمَلَهُ وَقَدْ أَخْطَاهُ مَنْ اِكْتَنَبَهُ وَمَنْ قَالَ كَيْفَ؟ فَقَدْ شَبَّهَهُ وَمَنْ قَالَ لِمَ؟ فَقَدْ عَلَّلَهُ وَمَنْ قَالَ مَتَى؟ فَقَدْ وَقَّتَهُ وَمَنْ قَالَ فِيمَ فَقَدْ ضَمَّنَهُ وَمَنْ قَالَ إِلَى مَ؟ فَقَدْ نَهَاهُ وَمَنْ قَالَ حَتَّى مَ؟ فَقَدْ غَيَّاهُ وَمَنْ غَيَّاهُ فَقَدْ جَزَّاهُ وَمَنْ جَزَّاهُ فَقَدْ وَصَفَهُ وَمَنْ وَصَفَهُ فَقَدْ أَلْحَدَ فِيهِ؛ پس کسی که او را وصف نموده، به طور قطع، او را نشناخته است و کسی که او را شامل غیر او قرار داده و تعمیم در او قائل شده به او تعدی و جفا کرده و کسی که طلب کنه و حقیقت او نموده بدون تردید، خطا کرده و کسی که گفت چگونه است؟ به طور قطع برای او مانند قرار داده است و کسی که گفت از چه سبب؟ بدون شک، برای او علت به کار برده و کسی که گفت چه زمان؟ مسلماً برای او وقت قرار داده و کسی که گفت در چه حال؟ به طور قطع برای او ظرف قرار داده و کسی که گفت تا چه زمان؟ بی شک برای او نهایت قرار داده و کسی که گفت تا کجا؟ مسلماً برای او مسافت قرار داده و کسی که برای او مسافت قرار داده، بدون تردید، در او مسافت قائل شده که او عرض و طول دارد و کسی که در او مسافت قائل شده، مسلماً او را صاحب اجزا قرار داده و کسی که او را صاحب اجزا قرار داده بی شک، او را متصف بوصف کرده و کسی که او را متصف بوصف کرده قطعاً شرک در او قائل شده است.

۱. طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۳۹؛ صدوق، الامالی، ص ۲۵۵.

در جملات مذکور، تکرار «قد+ فعل ماضی» به صورت پی در پی مشهود است. این تکرار پیوسته در اصل، شیوه‌ای است که حضرت برای بیان قطعیت کلام خود و ضرورت خودداری از هر گونه تشبیه و توصیف در ذات اقدس بهره گرفته است و بیشترین تأکید ممکن را در کمترین الفاظ بیان داشته است.

۳-۵-۲. هماهنگی لفظ با معنا

در سخنان آن حضرت، الفاظ به صورتی هماهنگ با معنا انتخاب شده است. به عنوان نمونه، در بخشی از سخنان آن حضرت آمده است:

إِنَّ اللَّهَ الْمُبْدِيَّ الْوَاحِدَ الْكَائِنُ الْأَوَّلَ لَمْ يَزَلْ وَاحِدًا لَا شَيْءَ مَعَهُ قَرْدًا لَا تَنَائِي مَعَهُ لَا مَعْلُومًا وَلَا مَجْهُولًا وَلَا مُحْكَمًا وَلَا مُتَشَابِهًا وَلَا مَذْكُورًا وَلَا مَنْسِيًّا؛^۱

خداوند متعال، آغازگر نخستین و اولین موجود بوده است. هیچ چیزی با او همراهی نکرده و هیچ فرد دومی با او نبوده است. نه معلوم است نه مجهول. نه محکم است نه متشابه. نه یاد شده است و نه فراموش شده.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آن حضرت در سخنان خود، تمامی اسم‌های مفعول را از ذات خداوند نفی فرمودند تا مشخص شود، خداوند متعال از هر نوع مفعولیتی مبرا است؛ زیرا فاعل مطلق تمامی امور، خود او است و تصوّر هر نوع معلوم و مجهول بودن برای او خارج از توحید است.

در ادامه پاسخ امام (ع) به عمران صابی، به نکته خاصی اشاره شده است:

ثُمَّ خَلَقَ خَلْقًا مُبْتَدِعًا مُخْتَلِفًا.^۲

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۷۲؛ ابن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل رسول، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۶۹.

در این جا امام علیه السلام به بیان یک ویژگی برای خلقت خداوند می‌پردازد و آن واژه ابداع است. توجه آن حضرت به این واژه، به نوعی پرسش عمران صابی را اصلاح می‌کند؛ زیرا واژه خلق، فاقد این بار معنایی است. از این رو، از طریق کاربرد این کلمه به این ویژگی آفرینش اشاره می‌شود که خلقت، هیچ سابقه‌ای نداشته است. لازم به توجه است که واژه ابداع در قرآن کریم نیامده است اما بدیع به معنای خالق و نو پدید آورنده، دو بار^۱ به کار رفته است.

۳-۵-۳. انتخاب آگاهانه واژگان

این مسئله از چند زاویه بررسی می‌شود. یکی از ناحیه انتخاب هدفدار واژگان نکره و معرفه است تا بر معنای ویژه و دل‌خواه ایشان دلالت کند. برای نمونه می‌توان به وارد شدن ال، استغراق جنس بر سر کیف و این در جمله‌های زیر اشاره کرد:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَيْفَ الْكَتِفَ الْكَتِفَ فَهُوَ بِمَا كَيْفَ وَأَيْنَ الْأَيْنِ.^۲

داخل شدن ال بر سر این دو واژه، بیان کننده این است که هرگونه کیفیت و هرگونه ویژگی‌های مکانی به دست خداوند، تعیین شده است و هیچ دگرگونی و یا کجایی خارج از قدرت و تدبیر او نیست.

امام علیه السلام در پاسخ به عمران صابی که از آن حضرت درخواست کرد درباره موجود اول و آنچه خلق کرده است، خبر دهد، فرمود:

أما الواحد...^۳

عمران درباره این که موجود اول یکی بوده است یا نه؟ پرسش نمی‌کند، اما امام در پاسخ، تعریف و بیان خود را در نهایت کمال، مطرح می‌فرماید. این کار، از استمرار

۱. بقره/۱۱۷؛ انعام/۱۰۱.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۶۹.

پرسش در فضای حاشیه‌ای جلوگیری می‌کند. مراد امام از تأکید بر روی واژه الواحد در آغاز، بیان این نکته است که وحدانیت برای خداوند، تنها صورت متصور و معقول است. پس، او را پیش از بیان هر توصیفی، واحد می‌نامد.

نکته دیگر در سخنان آن حضرت، استعمال کلمات تنوین‌داری، مانند «ربنا لم یزل عالماً سمیعاً بصیراً... قادراً حياً... قدیماً»^۱ برای بیان عظمت غیر قابل درک خداوند متعال است؛ یعنی خداوندی که کسی به نهایت دانایی او، سمیع و بصیر بودنش، توانمندیش و ازلی بودنش پی نبرده است و نخواهد برد.

نکته قابل تأمل دیگر این است که یکی از عوامل توفیق امام رضا (ع) در مناظره‌ها، استناد به واژگانی بود که در زبان و منبع اصلی به کار می‌رفت و در زبان‌های مختلف، جایی برای اختلاف برداشت، باقی نمی‌گذاشت. به عنوان نمونه، آن حضرت در مناظره با جاثلیق از واژه حقانیت برای اثبات ترجیح اسلام بر سایر ادیان به دلیل توصیه سایر ادیان پیشین استفاده می‌کند و در ابطال اعتقاد به الوهیت عیسی (ع) و شهادت به پیامبر اسلام (ص)، تعبیر فارقلیطا به چشم می‌خورد. این واژگان که جملگی ریشه وحیانی دارد، به این دلیل از جانب امام (ع) به کار رفتند که طرف مناظره، منبع آنها را قبول داشت. این ویژگی، در مناظره آن حضرت با رأس الجالوت نیز دیده می‌شود.^۲

از دیگر نکات کلیدی در معناشناسی گفتار امام (ع)، توجه ایشان به افعالی است که برای مخاطب خود استفاده می‌کنند. امام (ع) زمانی که از خداوند و ویژگی‌های او سخن می‌گوید، خطاب به عمران از فعل فَاَفْهَمُ استفاده می‌کند؛ زیرا قدرت تعقل بشر از پی‌بردن به نهایت عظمت خداوند عاجز است. تنها، فهم می‌تواند کلیات را به عنوان آنچه که هست

۱. همان، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۰.

و آنچه که نیست دریابد، اما زمانی که از مخلوقات و ویژگی‌های آنها سخن می‌گوید، خطاب به عمران می‌فرماید:

تَعَقَّلْ هَذَا^۱

به این معنا که تفکر در نظام آفرینش، به معنای یک بینش سطحی و نگاه گذرا نیست؛ زیرا انسان می‌تواند و باید در عالم خلقت تدبّر و تفکر نماید. در ادامه، امام (علیه السلام) عمران را با فعل وَاَعْلَمَ^۲ خطاب می‌کند و با او درباره بی‌نیازی خداوند به مخلوقات، سخن می‌گوید. مسئله (بی‌نیازی خداوند از مخلوقات از راه تَعَقُّل و تدبّر حاصل می‌شود و راه شناخت و درک آن برای بشر بسته نیست، اما ممکن است عقل مخاطب به این شیوه استدلال امام نرسیده باشد.

بنابراین، در قالب خبررسانی و آگاهی‌دادن، امام (علیه السلام) او را مخاطب قرار می‌دهد و از گذر این واژه به او نشان می‌دهد که گفتار و استدلالی که بیان می‌شود، علمی است که باید دریابد. هر چند که تاکنون به آن دست نیافته است.

در سؤال امام (علیه السلام) از عمران درباره علم خداوند متعال به خود از فعل أَفْهَمْتُ؟^۳ استفاده شده است؛ زیرا هم‌چنان که گفته شد، عقل بشر از پی‌بردن به ذات حق، ناتوان است و حدود تعقل و تفکر را به درگاه عظمت او راهی نیست.

در قسمت مربوط به چگونگی علم خداوند، امام خطاب به عمران جمله «فَاعْقِلْ ذَلِكَ وَابْنِ عَلَيْهِ مَا عَلِمْتَ صَوَاباً»^۴ را می‌فرماید که نشان دهنده تمایز الفاظی است که به آنها

۱. همان؛ همو، التوحید، ص ۴۳۳.

۲. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۳. صدوق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۷۰؛ همو، التوحید، ص ۴۳۳.

۴. همان؛ همان.

اشاره شد. در این بخش، در توصیف علم خداوند گفت‌وگو می‌شود، اما امام از راه استدلالی منطقی، نگاه عمران را رد می‌کنند. در نتیجه، تعقل کردن در این مقام، ضروری است. آن حضرت (ع) در انتهای پاسخ خود به یکی از پرسش‌های عمران که آیا خداوند پیش از ایجاد مخلوقات، ساکت بوده است؟ خطاب به عمران می‌فرمایند:

فَبَهَذَا تَسْتَبْصِرُ أَمْرَكَ؛ با این مطلب، حقیقت مطلوبت را درمی‌یابی.

در این جا، امام (ع) از کلمه تَسْتَبْصِرُ استفاده می‌کنند؛ زیرا بصیرت یافتن، فراتر و بالاتر از فهمیدن و یا درک نمودن است؛ چرا که مثال امام نه تنها به پرسش عمران، پاسخ می‌گوید بلکه نوع رابطه خالق با مخلوق را آشکار می‌کند.

۴. نتیجه

پژوهش حاضر که از دو بعد روش‌شناسی و سبک‌شناسی، مناظره‌های رضوی را واکاوی کرده است به نتایج زیر دست یافته است:

۱. آنچه سبب پیروزی امام رضا (ع) در تمامی مناظره‌ها و ماندگاری آن در طول تاریخ گردید، دادن آزادی بیان و داشتن روحیه تسامح در این مذاکرات بود. براساس شیوه خاص حضرت در گفت‌وگو با سران ادیان و مکاتب مختلف لازم بود که به زبان، منطق و آیین آسمانی خودشان، آنها را قانع نماید. سیره مناظراتی حضرت نشان می‌دهد، آن بزرگوار به دنبال محکوم کردن کسی نبوده است. بلکه هدف اصلی ایشان، ارتقای فهم و آگاهی طرف مقابل برای رسیدن به درکی درست از موضوع مورد بحث است. بنابراین در راستای رسیدن به چنین هدفی، آن حضرت با توجه به توان مخاطب‌شناسی بسیار بالایی که داشتند متناسب حال و درک مخاطب، پیام‌های خویش را تعدیل می‌فرمودند.

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲. علی بن موسی الرضا علیه السلام برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب، گفتار خویش را به انواع روش‌های ادبی و بلاغی مزین می‌فرمود. در زبان عربی، آهنگ حروف تشکیل دهنده کلمه و ویژگی هر یک از این حروف و آهنگ جمله‌ها، چنان تأثیر مهمی در سیر معنایی جمله دارد که گفته می‌شود میان آهنگ و معنا، رابطه مستقیمی وجود دارد.

در بررسی سخنان مناظره‌ای امام رضا علیه السلام کاربرد این روش برای انتقال کامل معنا، برجسته و مشهود است. در مناظره‌های آن حضرت، تسلسل و پیوندی میان هر یک از سخنان آن بزرگوار وجود دارد که هیچ یک از آنها را نمی‌توان به گونه‌ای که حذف کرد که گفته شود از آن بی‌نیاز بوده است.

رعایت این اصل، به ویژه در مناظره‌های طولانی امام رضا علیه السلام آشکار است. حضرت برای تبیین اصل توحید از تصویرسازی مرکب و حتی چند مرحله‌ای، بهره گرفته است. از جمله نکات کلیدی در معناشناسی گفتار امام علیه السلام انتخاب آگاهانه کلمات معرفه و نکره و توجه ایشان به افعالی است که برای مخاطب به کار می‌بردند.

در سخنان آن حضرت، الفاظ به صورتی هماهنگ با معنا انتخاب شده است و بیشتر ساختارها یا تکراری هستند و یا به شکل تأکیدی (قد+ فعل ماضی) آمده است. نکته قابل تأمل دیگر این است که چون امام علیه السلام به واژگانی استناد می‌کرد که در زبان و منبع اصلی به کار می‌رفت در زبان‌های مختلف، جایی برای اختلاف برداشت، باقی نمی‌گذاشت. علاوه بر این‌ها، گاهی اوقات امام علیه السلام با توجه به حال مخاطب، سخنان خود را به صورت کوتاه و پرمعنا و یا طولانی، اما غیر مخل به کار می‌بردند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سلامه، جعفر بن علی، مسندالشهاب، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل رسول، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: کتابچی، ۱۳۶۶.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب (ع)، قم: علامه، ۱۳۷۹.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۶. برکو، رُی و همکاران، مدیریت ارتباطات، ترجمه: سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش فرهنگی، ۱۳۷۸.
۷. جرجانی، ابوالحسن علی بن محمد، التعریفات، بی جا: دارالشؤون للثقافة العامة، ۱۴۱۳ ه.ق.
۸. حبنکه المیدانی، عبدالرحمن حسن، ضوابط المعرفة وأصول الاستدلال والمناظرة، چاپ پنجم، دمشق: دارالعلم، ۱۴۱۹ ه.ق.
۹. حرّاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۰. حسن، عبدالله، المناظرات الإمامیة، چاپ اول، بی جا: أنوار الهدی، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۱. حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، محقق محمد باقر بهبودی، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، ج ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. سلیمان، زهیر، قواعد التجوید فی تلاوة القرآن، قم: مکتبة الداوری، ۱۳۷۱.
۱۴. شمیسا، سیروس، کلیات سبک شناسی، چاپ چهارم، تهران: نشر فردوس، ۱۳۷۵.
۱۵. شهید ثانی، منیة المرید فی آداب المفید والمستفید، ترجمه: سید محمد باقر حجتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۶. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الأمالی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۷. _____، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۸. _____، عیون أخبار الرضا (ع)، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸.
۱۹. صفری فروشانی، نعمت الله، «تحلیلی بر قیام های علویان در دوران امام رضا (ع) و ارتباط آن با ولایت مهدی»، فصلنامه شیعه شناسی، ش ۲۶، سال هفتم، ۱۳۸۸.

۲۰. طبرسی، احمد بن علی، *أعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ه.ق.
۲۱. _____، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، تصحیح محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ه.ق.
۲۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، محقق سیداحمد حسینی، چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۳. عجم، رفیق، موسوعة مصطلحات ابن خلدون والشریف علی محمد الجرجانی، پ بیروت: مكتبة لبنان الناشر، ۲۰۰۴م.
۲۴. عطاردی، عزیز الله، *اخبار و آثار حضرت رضا علیه السلام*، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۷۹.
۲۵. عیادشکری، محمد، *مدخل إلى علم الأسلوب*، ریاض: دار العلوم، عیاد شکری، ۱۹۸۲م.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: مكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
۲۷. فراهیدی، خلیل، *کتاب العین*، تحقیق مهدی المخزومی، چاپ دوم، بی جا: دارالهجرة، ۱۴۰۹ه.ق.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ه.ق.
۲۹. قلندری بردسیری، حمید، *هشتمین امام*، قم: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
۳۱. کواز، محمدکریم، *سیک شناسی اعجاز بلاغی قرآن*، ترجمه: حسین سیدی، تهران: سخن، ۱۳۸۶.
۳۲. لیزینا، مایا ایوانونا، *الگوهای ارتباطی*، ترجمه محمد جعفر مدبرنیا، تهران: ضیای نور، ۱۳۷۵.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ه.ق.
۳۴. محمدزاده، مرضیه، *علی بن موسی الرضا علیه السلام*، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰.
۳۵. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیه، بی تا.
۳۶. _____، *الفصول المختارة*، تصحیح علی میرشریفی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ه.ق.
۳۷. هانتینگتون، ساموئل، *نظریه برخورد تمدن ها*، ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

